



An Examination of the Principles of Article 674 of the Islamic Penal Code

Mehdi Narastani¹ | Alireza Pour Esmaeili²

1. Assistant Professor of Law Department; Hakim Sabzevari University; Greenery; Iran (corresponding author), M.narastani@hsu.ac.ir
2. Associate Professor of Law Department; Hakim Sabzevari University; Greenery; Iran, a.pouresmaeili@hsu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Received:
2024/09/10

Received in revised form:
2024/10/15

Accepted:
2024/10/18

Keywords:

eyesight, injury, recovery period, compensation for benefit.

Abstract

Article 674 of the Islamic Penal Code prescribes a ruling concerning compensation for lost benefits, which, in Islamic jurisprudence, not only deviates from the widely accepted view but also lacks any authoritative "Fatwa" aligning with its provisions. Moreover, Article 674 conflicts with Article 672 of the same code, raising uncertainty about the legislative rationale behind this provision. This descriptive-analytical study aims to examine this issue within the framework of jurisprudence and the principles of civil liability law to determine whether a reliable foundation for Article 674 of the Islamic Penal Code (IPC) can be identified to justify its existence or whether it requires revision. The study's findings suggest that the closest Fatwa to the ruling in Article 674 IPC is attributed to the jurist Mohaqqiq Karaki; however, it is not fully aligned with it. Furthermore, the subject of the article does not correspond to the rule of previous status or the "egg-shell skull" doctrine. Ultimately, the ruling in Article 674 IPC does not align with the goals of civil liability, the principle of compensating for damages, or the principle of deterrence. Consequently, the ruling in Article 674 IPC lacks any credible jurisprudential or legal foundation.

How To Site

Narastani, Mehdi; Pour Esmaeili, Alireza (2024). An Examination of the Principles of Article 674 of the Islamic Penal Code. *Journal of Judgment*, 118(2), 92-105.
<http://doi.org/10.22034/judg.2024.2040799.1337>

DOI

[10.22034/judg.2024.2040799.1337](https://doi.org/10.22034/judg.2024.2040799.1337)

Publisher

University of Tehran Press



بررسی مبانی ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی

مهدی نارستانی^۱ | علیرضا پوراسماعیلی^۲

۱. استادیار گروه حقوق؛ دانشگاه حکیم سبزواری؛ سبزوار؛ ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه: M.narestani@hsu.ac.ir
۲. دانشیار گروه حقوق؛ دانشگاه حکیم سبزواری؛ سبزوار؛ ایران رایانامه: a.pouresmaeli@hsu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی تخصصی	ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی درباره دیه منافع حکمی را مقرر می‌دارد که در فقه نه تنها خلاف مشهور است، بلکه هیچ فتوای معتبری همسو با آن ارائه نشده است. افزون بر این، ماده ۶۷۴ با ماده ۶۷۲ همان قانون متعارض است و بدن ترتیب معلوم نیست قانون‌گذار بر اساس چه مبانی چنین حکمی را وضع کرده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی تلاش می‌کند تا با بررسی موضوع در فقه و اصول حقوق مسئولیت مدنی، دریابد چه مبانی قابل اتکایی می‌توان برای ماده ۶۷۴ ق.م.ا. یافت و آن را توجیه کرد یا آنکه باید به اصلاح آن چشم داشت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در فقه نزدیک‌ترین فتوا به حکم مذکور در ماده ۶۷۴ ق.م.ا، فتوای منتسب به محقق کرکی است، ولی با آن متفاوت است و البته موضوع ماده مذکور با قاعده وضعیت پیشین و قاعده مجمله پوست تخم مرغی نیز تفاوت دارد و بالاخره، حکم مذکور در ماده با هدف مسئولیت مدنی و اصل لزوم جبران خسارات و اصل بازدارندگی هم‌جهت نیست. در نتیجه حکم مذکور در ماده ۶۷۴ ق.م.ا هیچ مبانی فقهی و حقوقی معتبری ندارد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۲۴	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۷	
کلیدواژه: بینایی، جنایت، دوره درمان، دیه منفعت.	
استناد	نارستانی، مهدی؛ پوراسماعیلی، علیرضا (۱۴۰۳). بررسی مبانی ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی، فصلنامه قضاوت، ۱۱۸(۲)، ۹۲-۱۰۵.
DOI	http://doi.org/10.22034/judg.2024.2040799.1337
ناشر	انتشارات دادگستری کل استان تهران



مقدمه

دیه جنایت بر منافی که به صورت موقت سلب شده و برای درمان آن مهلت تعیین شده، در قانون مجازات اسلامی جایگاه مبهمی دارد، زیرا از یک سو مطابق ماده ۶۷۲ قانون مجازات اسلامی با فوت مجنی علیه در طول درمان و پیش از بهبود، جانی باید دیه کامل بپردازد: «در مواردی که نظر کارشناسی بازگشت منفعت زایل یا ناقص شده در مدت معینی باشد چنانچه مجنی علیه قبل از مدت تعیین شده فوت کند دیه ثابت می شود»؛ در حالی که مطابق با ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی، اگر منفعتی از منافع بزه دیده به دلیل آسیب موقتاً از او سلب شده باشد و امید به بهبود در مهلت تعیین شده وجود داشته باشد، اگر در این مهلت فرد دیگری با ارتکاب جنایت جدیدی آن عضو آسیب دیده را زایل نماید، مرتکب اول محکوم به پرداخت ارش زوال موقت منفعت و مرتکب دوم محکوم به پرداخت دیه کامل است: «هرگاه در مهلتی که به طریق معتبری برای بازگشت منفعت زایل یا ناقص شده، تعیین گردیده، عضوی که منفعت، قائم به آن است از بین برود، به عنوان مثال چشمی که بینایی آن به طور موقت از بین رفته است از حدقه بیرون بیاید، مرتکب، فقط ضامن ارش زوال موقت آن منفعت است و چنانچه از بین رفتن آن عضو به سبب جنایت شخص دیگر باشد مرتکب دوم، ضامن دیه کامل آن عضو می باشد».

مقایسه دو ماده روشن می سازد که موضوع هر دو ماده سلب موقت منافع و تعیین مدت برای درمان (طول درمان) و امید به بهبود است، در حالی که ماده ۶۷۲ ق.م.ا.فوت مجنی علیه در اثنا طول درمان را موجب ثبوت دیه کامل می داند، ولی ماده ۶۷۴ ق.م.ا، تصریح می کند که اگر ارتکاب جنایت جدید در طول درمان موجب از بین رفتن عضو به صورت کامل شود، جانی جنایت اول فقط ضامن ارش زوال موقت آن منفعت است و جانی جنایت دوم ضامن دیه کامل است. بنابراین بررسی ماده ۶۷۴ ق.م.ا روشن می سازد که در حالتی که جانی اول اقدام به ارتکاب جنایت می کند و منفعت عضو موقتاً زایل می شود و در طول درمان انتظار بهبود می رود، ولی پیش از اتمام دوره درمان و یقین به بازگشت منفعت، جانی دوم عضوی را که منفعت قایم به آن است، از بین می برد، جانی اول ضامن ارش زوال موقتی منفعت عضو است، در حالی که مطابق ماده ۶۷۲ ق.م.ا و با الغاء خصوصیت از فوت مجنی علیه، جانی ضامن دیه کامل عضو است. در نتیجه منطوق دو ماده ۶۷۲ و ۶۷۴ ق.م.ا با یکدیگر تعارض دارند و ماده ۶۷۲ به ثبوت دیه کامل عضو و ماده ۶۷۴ ق.م.ا به ثبوت ارش حکم می دهند؛ به ویژه آنکه ماده ۶۷۲ ق.م.ا بر پایه دیدگاه مشهور در فقه است، ولی ماده ۶۷۴ ق.م.ا مستند محکمی در فقه ندارد.

اکنون با توجه به اینکه به موضوع ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی در منابع فقهی معتبر هیچ اشاره ای نشده است، پرسش این است که آیا قانونگذار در وضع ماده ۶۴۷ ق.م.ا با توجه

به دستاوردها و دیدگاه‌های حقوق مدرن به‌ویژه حقوق کامن‌لا در حوزه مسئولیت مدنی از جمله دعاوی وضعیت پیشینی زیان‌دیده یا دعاوی قاعده جمجمه نازک توجه داشته است؟ برای پاسخ به سؤال این پژوهش با روش توصیف تحلیلی با مراجعه به منابع و کتاب‌های فقهی و حقوقی، ابتدا موضوع مواد ۶۷۲ و ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی تبیین شده و سپس پیشینه فقهی ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و در مرحله بعد مبانی حقوقی متصور در مسئله تحلیل و ارائه شده است. در پایان نیز جمع‌بندی مورد نظر پژوهش به‌عنوان نظر مورد قبول بیان شده است.

۱. بررسی پیشینه موضوع بحث

در موضوع مورد بررسی تاکنون مقاله‌ای نوشته نشده و تنها یکی از نویسندگان در شرح قانون مجازات، ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی را از منظر فقهی شرح داده و انطباق آن را با اقوال فقها و مبانی فقهی بررسی کرده است (امامی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۵). مطابق جست‌وجوی صورت پذیرفته درباره وضعیت پیشین زیان‌دیده که به‌صورت غیرمستقیم با نوشته ارتباط دارد، سه مقاله یافت می‌شود. خادم سربخش در مقاله خود با عنوان «تأثیر حالت و وضعیت زیان‌دیده بر مسئولیت عامل زیان» بر این باور است که عامل زیان در صورتی که حالت جسمی، روانی و وضعیت اجتماعی و اقتصادی زیان‌دیده سبب ورود خسارت شود یا اینکه وضعیت اجتماعی و اقتصادی زیان‌دیده سبب افزایش خسارت شود، می‌تواند برای رهایی خویش از مسئولیت، به وضعیت پیشینی زیان‌دیده استناد کند.

میرشکاری و شوشی‌نسب در مقاله خود با عنوان «تأثیر وضعیت پیشین زیان‌دیده در مسئولیت مدنی عامل» به بررسی میزان مسئولیت مرتکب در صورتی که وضعیت پیشینی برای بزه‌دیده وجود داشته است پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که قانون‌گذار در همه حال وضعیت پیشین را در تخفیف زیان مؤثر دانسته است به‌جز بحث چشم؛ بنابراین تشدید مسئولیت در مورد چشم‌موردی استثنایی است که باید به تفسیر مضیق در مورد آن اکتفا کرد. بنابراین گرچه نویسندگان به‌حکم ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی نپرداخته‌اند، ولی ممکن است از این زاویه گفته شود که چون در ماده ۶۷۴ ق.م.ا قانون‌گذار بینایی را به‌صورت تمثیل آورده، پس ماده ۶۷۴ ق.م.ا وضعیتی استثنایی را بیان می‌کند و تعارضی با ماده ۶۷۲ ق.م.ا ندارد.

بالاخره، عالی‌پناه و خدایی در مقاله «قاعده جمجمه نازک؛ تأثیر وضعیت خاص زیان‌دیده بر جبران زیان‌های بدنی در حقوق کامن‌لا» تلاش کرده‌اند تا معلوم سازند که قاعده جمجمه نازک در حقوق ایران قابل پذیرش است. بنابراین نوشته پیش رو ضمن بررسی ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی و بیان تعارض آن با ماده ۶۷۲ ق.م.ا، تلاش می‌کند ماده ۶۷۴ را با مبانی حقوق مسئولیت

مدنی نیز محک بزند تا شاید از این منظر مبنایی برای این ماده بیاید و نوشتار حاضر از دیگر نوشته‌ها متمایز گردد.

۲. تبیین موضوع مواد ۶۷۲ و ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی

قانون‌گذار در ماده ۶۷۲ قانون مجازات اسلامی که ناظر به منفعت عضو است، اعتقاد دارد که اگر در دوره طول درمان مجنی علیه فوت کند، دیه زوال منفعت دائمی یا نقصان منفعت اولیه ثابت است و امید به برگشت منفعت تأثیری ندارد. در عین حال مطابق ماده ۶۷۲ ق.م.ا کارشناس باید با احتمال بازگشت منفعت و مدتی که احتمال بازگشت دارد را تعیین کند. با این همه، ماده ۶۷۲ ق.م.ا ناظر به فوت مجنی علیه در طول درمان است که با استناد به مفهوم موافق (الغای خصوصیت) می‌توان حکم ثبوت دیه مطابق با میزان آسیب اولیه را به دو مورد دیگر نیز تسری بخشید: الف) قتل یا خودکشی مجنی علیه؛ ب) از بین رفتن عضوی که منفعت قائم به آن است.

مسئله مطرح شده در ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی (دیه منفعت مبنایی) دارای پیشینه قانونی است، اما شمول حکم برای همه منافع برای نخستین بار در سال ۱۳۹۲ به قانون مجازات اسلامی راه یافت و پیش از سال ۱۳۹۲ چنین موضوعی در ادبیات حقوقی مطرح نبود. این ماده همانند ماده ۶۷۲ ق.م.ا ناظر به دیه منافع عضوی است که مطابق نظر کارشناس یا طریق معتبر، امکان عود یا بازگشت منفعت در بازه زمانی معین محتمل است: «هرگاه در مهلتی که به طریق معتبری برای بازگشت منفعت زایل یا ناقص شده تعیین گردیده، عضوی که منفعت قائم به آن است از بین برود، به‌عنوان مثال اگر چشمی که مبنایی آن به‌طور موقت از بین رفته است از حلقه بیرون بیاید، مرتکب فقط ضامن ارش زوال موقت آن منفعت است و چنانچه از بین رفتن آن عضو به سبب جنایت شخص دیگر باشد، مرتکب دوم ضامن دیه کامل آن عضو می‌باشد». در ادامه بررسی شرایط و قیود این دو ماده ارائه می‌گردد.

۲-۱. وقوع جنایت در طول درمان

هر دو ماده ۶۷۲ و ۶۷۴ ق.م.ا تعیین مدت‌زمان برای بازگشت منافع را ضروری می‌دانند با این تفاوت که ماده ۶۷۲ تعیین مدت را بر عهده کارشناس (پزشکی قانونی) می‌گذارد: «در مواردی که نظر کارشناسی بازگشت منفعت زایل یا ناقص شده در مدت معینی باشد»، ولی ماده ۶۷۴ ق.م.ا تعیین مدت را «به طریق معتبر» لازم دانسته که عبارت مبهمی است و به لحاظ نگارشی نادرست می‌نماید و در عمل دادگاه‌ها چنین موضوعاتی را به پزشکی قانونی ارجاع می‌دهند. با توجه به رویه باید پذیرفت که طریق معتبر همان ارجاع به کارشناس گفته‌شده در ماده ۶۷۲ ق.م.ا است: «هرگاه

در مهلتی که به طریق معتبری برای بازگشت منفعت زایل یا ناقص شده، تعیین گردیده...». بنابراین تعیین مدت درمان مطابق هر دو ماده ضروری است و جنایت یا خسارت باید در مدت تعیینی رخ دهد تا مشمول ماده گردد. در نتیجه منافی که امید بهبود در آنها نیست یا طریق معتبری بر امکان بازگشت یا بهبود آن وجود ندارد، از شمول ماده خارج هستند.

۲-۲. وقوع جنایت نسبت به منفعت عضو

هر دو ماده ۶۷۲ و ۶۷۴ ق.م.ا ناظر به دیه منافع است و دیه عضو را دربر نمی‌گیرد. البته باید توجه داشت که امید بهبود در دوره درمان ممکن است ناظر به خود عضو آسیب‌دیده باشد؛ مانند آنکه استخوان شکسته جوش بخورد و التیام یابد یا آنکه ناظر به روییدن دوباره عضو باشد، مانند ناخن و موی کنده شده که در دوره درمان دوباره برآید و یا آنکه ناظر به بازگشت منفعت باشد، مانند بازگشت قدرت حرکت دادن دست و پا یا بینایی و... بنابراین ماده ۶۷۴ ق.م.ا علی‌رغم تکرار بسیار کلمه منفعت و استفاده از تمثیل «بینایی»، فقط یک حالت را مدنظر قرار داده است. به دیگر سخن، ماده ۶۷۴ ق.م.ا صرفاً ناظر به بازگشت منفعت است و نسبت به بهبود عضو مانند استخوان شکسته یا روییدن دوباره عضو مانند مو و ناخن حکمی ندارد و ساکت است و از این جهت ماده ۶۷۴ ق.م.ا با ماده ۶۷۲ که ناظر به «بازگشت منفعت زایل یا ناقص شده» است، همسو و سازگار است.

۲-۳. از بین رفتن عضو به سبب جنایت شخص دیگر

ماده ۶۷۴ ق.م.ا به موضوعی می‌پردازد که این ماده را از ماده ۶۷۲ ق.م.ا متمایز می‌سازد. در واقع بر اساس ماده ۶۷۴ ق.م.ا صورت‌ها و حالات متعددی را می‌توان تصور کرد که در طول درمان امید به بهبود و فرصت و امکان بهبود از بین می‌رود:

۱. عضوی که منفعت قائم به آن است، به سبب جنایت جانی دوم از بین برود.
۲. عضوی که منفعت قائم به آن است، به سبب جنایت خود جانی اول از بین برود.
۳. عضوی که منفعت قائم به آن است، به سبب جنایت خود زیان‌دیده از بین برود.
۴. در طول درمان بزه‌دیده توسط شخص ثالثی به قتل برسد.
۵. در طول درمان بزه‌دیده توسط شخص جانی اول به قتل برسد.
۶. در طول درمان بزه‌دیده خودکشی کند یا فوت شود.

بررسی ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی روشن می‌سازد که منطوق این ماده صرفاً ناظر به حالت اول است، یعنی حالتی که جانی دوم با جنایت خود عضوی را که منفعت قائم به آن است، از بین می‌برد.

۳. پیشینه فقهی ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی

منفعت بینایی که قانون‌گذار در ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی به‌عنوان یکی از مصادیق این ماده مطرح نموده است، در کتاب‌های فقهی به‌صورت یک فرع فقهی مستقل مطرح شده و حکم دیه منفعت بینایی در فقه با دیدگاه قانون‌گذار در ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی متفاوت است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

شیخ طوسی در بحث جنایت بر بینایی بر آن است اگر در مدت‌زمان انتظار بازگشت منفعت بینایی چشم مجنی علیه، اصل چشم مجنی علیه را فرد ثالثی درآورد، مرتکب جنایت اول یا ملزم به دیه کامل بینایی چشم می‌گردد یا باید قصاص شود و مرتکب جنایت دوم هم باید ارش بپردازد. در واقع از نظر شیخ طوسی چون مرتکب جنایت دوم یک چشم فرد نابینا را درآورده، ملزم به پرداخت ثلث دیه چشم مجنی علیه است (نک: طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۷، ص ۱۲۸). شیخ طوسی مسئولیت کیفری جانی اول در این موضوع را با توجه به نوع رفتار مجرمانه معین کرده است؛ یعنی اگر جانی جنایت اول عامدانه مرتکب جنایت شده باشد، قصاص می‌شود، در غیر این صورت، جانی ضامن دیه کامل منفعت بینایی است و مرتکب دوم هم فقط دیه عضو فاقد منفعت را باید بپردازد که مطابق قاعده دیه عضو فاقد منفعت و فلج، یک‌سوم دیه آن عضو است که این قاعده در قانون مجازات اسلامی مورد پذیرش قرار گرفته است (نک: ماده ۵۶۴ق.م.ا).

پس از شیخ طوسی بسیاری از فقها اعم از متقدمان و معاصران هم‌سو با شیخ طوسی فتوا داده‌اند (حلی، ۱۴۲۰ق ج ۵، ص ۶۱۰؛ عمیدی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۷۹۴؛ حلی، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۷۰۸؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۹، ص ۲۶۵). برخی از فقها نیز پس از تبیین مسئله فقط به بیان مسئولیت مرتکب جنایت اول پرداخته‌اند و بر این باورند که مرتکب جنایت اول باید دیه کامل منفعت زایل شده را بپردازد (حلی، ۱۴۱۳ق ج ۳، ص ۶۸۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ق ج ۴۳، ص ۳۰۲؛ گیلانی، ۱۴۲۶ق ج ۵، ص ۵۵۰؛ خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۹۰).

البته محقق کرکی تنها فقیه‌ای است که برخلاف شیخ طوسی و مشهور فتوا داده است (نک: امامی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۵). محمدجواد عاملی در کتاب «مفتاح الکرامه» می‌نویسد: «... الکرکی أن المعتمد أن علی الأول الأرش و علی الثانی الدیة إلا قدر الأرش الذی ضمنه الأول» (عاملی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۴۶۶). محقق کرکی بر این باور است که در صورتی که دو مرتکب جنایتی وارد می‌آورند، مرتکب جنایت اول فقط ارش زوال موقت منفعت را باید بپردازد و مرتکب جنایت دوم باید دیه کامل بپردازد البته با کسر میزان ارش که مرتکب اول مسئول پرداخت آن شده است.

با این حال، از بررسی دیدگاه شیخ طوسی و محقق کرکی روشن می‌شود که از یک‌سو، حکم ماده ۶۷۴ق.م.ا با دیدگاه شیخ طوسی ناهماهنگ است و از سوی دیگر، بر فرض که پذیرفته شود

دیدگاه محقق کرکی آن‌گونه که نقل شده بوده باشد؛ ماده ۶۷۴ ق.م.ا.ن.ب.ز این دیدگاه ناسازگار است، چراکه در ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی مرتکب جنایت دوم مطلقاً محکوم به پرداخت دیه کامل است، درحالی‌که به باور محقق کرکی، ارش پرداختی توسط مرتکب جنایت اول از میزان دیه‌ای که جانی دوم باید بپردازد، کسر می‌شود.

۴. بررسی مبانی حقوقی ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی

پس از بررسی پیشینه فقهی ماده ۶۷۴ ق.م.ا.ن.ب.ز و دریافت اینکه حکم ماده ۶۷۴ ق.م.ا.ن.ب.ز در فقه شیعه نیامده، اکنون باید دید چه دلیل یا مبنایی می‌توان برای حکم پیش‌گفته یافت؟

۴-۱. قاعده وضعیت پیشین زیان‌دیده

منظور از وضعیت پیشین زیان‌دیده این است که رفتار عامل زیان به دلیل وضعیت جسمانی غیرطبیعی زیان‌دیده که از دید خطاکار پنهان مانده، خسارتی بیش از خسارت احتمالی و متعارف به بار می‌آورد و اگر این وضعیت پیشین زیان‌دیده نباشد، خسارت کمتری به زیان‌دیده وارد می‌شود (نک: شوشی‌نسب و میرشکاری، ص ۱۲۶). نظر مخالف که معتقد است که حالت زیان‌دیده نباید در میزان زیان وارده تأثیرگذار باشد (نک: خادم سربخش، ۱۳۸۹، ص ۱۱۴).

آنچه از ظاهر ماده ۶۷۴ ق.م.ا.ن.ب.ز برمی‌آید این است که قانون‌گذار در خصوص میزان مسئولیت جانی دوم در عین علم و آگاهی به وضعیت پیشین بزه‌دیده، یعنی وقوع جنایت و ورود صدمه و آسیب به منفعت و از وضعیت پیشین بزه‌دیده به دلیل عدم ثبات وضعیت (برگشت یا عدم برگشت منفعت)، از وضعیت پیشینی چشم‌پوشی کرده و عضو را فاقد منفعت محسوب نکرده است؛ در نتیجه میزان مسئولیت جانی دوم را کامل دانسته است. البته نظریه منتسب به محقق کرکی را که بیان آن گذشت می‌توان به علاوه موارد زیر، یکی از مصادیق وضعیت پیشین زیان‌دیده دانست:

۱- جنایت بر فرد در حکم مرده (مذبوح): فقیهان شیعه در باب قصاص در جنایت بر فرد در حکم مرده با یکدیگر اختلاف دارند؛ یعنی اگر قربانی به حدی مجروح شده باشد که آخرین رمق حیات در او باقی باشد و آخرین لحظه زندگی خود را سپری نماید و در همین زمان فردی دیگر به زندگی او پایان دهد، به باور برخی از فقیهان قربانی به دلیل جنایت نخست در حکم مذبوح است چون حیات او غیرمستقر بوده است. پس قاتل مرتکب اول است و قصاص می‌شود و مرتکب دوم به دلیل آنکه بر میت مرتکب جنایت شده و عمل مرتکب دوم اتلاف میت است، فقط تعزیر می‌شود (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۷، ص ۱۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۵۸۸؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۸۶؛ طرابلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۴۶۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۹۳؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۳، ص ۳۹۸؛ خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۱۵).

۲- قتل فرد دست‌بریده: فقیهان در این موضوع که اگر جانی نخست یک دست مجنی‌علیه را قطع کند و سپس قربانی او را عفو کند و دوباره جانی مجنی‌علیه را بکشد، نظریات مختلفی دارند. علامه حلی و شهید ثانی بر این باورند که اگر کسی دست فردی را قطع کند و قربانی مرتکب را عفو نماید و سپس همان مرتکب مجنی‌علیه را به قتل برساند، ولی دم بعد از برگشت دیه دست قطع شده حق قصاص دارند. همچنین اگر کسی فردی را که دستش از قبل قطع شده به قتل برساند، این قاتل زمانی قصاص می‌شود که دیه دست قطع شده به او برگردانده شود، منوط به آنکه مقتول قبلاً دیه دست مذکور را گرفته باشد یا به دلیل اجرای قصاص، دست را از دست داده باشد؛ اما اگر قطع دست ناشی از جنایتی نبوده و در قبال آن دیه‌ای اخذ نکرده باشد، قاتل بدون برگشت دیه به او، به قصاص محکوم خواهد شد که مستند آن «روایت سوره بن‌کلب» است (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۴۹۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۲۶۴). البته در این مسئله فقیهان دیگری مانند محقق حلی و ابن ادریس حلی نیز با علامه حلی و شهید اول همسو هستند (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۱۸، ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۴۰۴، روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۶، ص ۱۲۹)، ولی برخی از فقیهان مانند فخرالمحققین این نظریه را نپذیرفته‌اند (حلی، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۶۳۱). بالاخره، برخی از فقیهان مانند مرحوم حائری در کتاب «ریاض المسائل» در این باره تردید و اشکال دارند (حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۱۶، ص ۳۱۷). مرحوم امام خمینی هم نظر با مرحوم سید علی طباطبایی صاحب ریاض هستند، ولی بر این باورند که احتیاط اقتضاء می‌کند که به روایت عمل گردد (خمینی بی‌تا، ج ۲، ص ۵۴۰؛ لنکرانی، ۱۴۲۱ق، ص ۳۵۷).

۲-۴. قاعده مجمله نازک

قاعده مجمله پوست تخم مرغی (The eggshell skull rule) یا قاعده مجمله نازک (The Thin Skull Rule) در سال ۱۹۰۱ میلادی در حقوق کامن‌لا توسط دادگاه‌های انگلستان مطرح شد و پس از آن به سایر نظام‌های حقوقی راه یافت. مطابق قاعده، چنانچه به دلیل شکنندگی و آسیب‌پذیری غیرعادی و شرایط خاص زیان‌دیده، خسارات غیر قابل پیش‌بینی و غیر معمولی به او وارد شود، واردکننده زیان یا جانی مسئول جبران همه خسارت‌های به بار آمده است حتی اگر زیان وارده نامتعارف و پیش‌بینی‌ناپذیر باشد (www.law.cornell.edu/wex/eggshell_skull_rule). پس مطابق این قاعده خطاکار یا عامل زیان باید زیان‌دیده خود را همان‌طور که هست بپذیرد، نه آن‌طوری که تصور می‌کرده است (نک: صفری و صفریان، ۱۳۹۶، صص ۸۲-۸۰؛ عالی‌پناه و خدایی، ۱۳۹۹، صص ۳۲۸-۳۲۷؛ قیاسی، ۱۴۰۱، ص ۳۰۹) و لازمه تصور زیان‌دیده به حالت پیشین مستلزم آن است که خطاکار یا جانی دوم به صورت کامل (دیه) جبران خسارت کند.

۴-۳. هدف مسئولیت مدنی

گرچه هدف اصلی مسئولیت مدنی جبران خسارت زیان دیده به صورت کامل یا ایجاد تسلی خاطر برای زیان دیده است، باید در راستای جامه عمل پوشاندن به این هدف به دو موضوع مهم توجه داشت: از سویی عامل زیان نتیجه کار نامشروع خود را ببیند و وضع زیان دیده به صورت پیشین درآید (کاتوزیان، ۱۳۹۵، صص ۲۵۸-۲۵۶ و ۵۳۳-۵۲۵). پس برای جبران خسارت نیز ضرر باید چنان تدارک شود که گویی از اصل ضرری به وجود نیامده است (کاتوزیان، ۱۳۹۵، صص ۵۳۴). از سوی دیگر، نباید مسئولیت مدنی وسیله افزایش دارایی زیان دیده شود و بر دارایی زیان دیده بیفزاید که از این جنبه اصل جبران خسارت به جنبه منفی اصل جبران خسارت یاد می شود (امیران بخشایش و باریکلو، ۱۳۹۳، صص ۱۸۸-۱۸۶). از این رو باور این است که زیان دیده نمی تواند دو یا چند وسیله جبران خسارت را باهم جمع کند و از این راه به دارایی خود بیفزاید (کاتوزیان، ۱۳۹۵، صص ۲۹۲-۲۹۱؛ ره‌پیک، ۱۳۸۸، صص ۱۰۲).

۴-۴. اصل لزوم جبران کلیه خسارات

برخلاف عرف که هر خسارتی را قابل جبران می داند، پذیرش اصل لزوم جبران کلیه خسارات در حقوق مورد اختلاف است و حقوقدانان درباره پذیرش اصل لزوم جبران کلیه خسارات با یکدیگر اختلاف دارند. منشأ اختلاف به مبناى مورد پذیرش بازمی گردد. در واقع خاستگاه اختلاف دیدگاه‌ها دو موضوع است؛ از یک سو باید دید که آیا نگرش عرفی که همه خسارات را قابل جبران می داند و بر لزوم جبران همه خسارات زیان دیده تأکید دارد، در حقوق نیز پذیرفته و محترم است؟ و از سوی دیگر، آیا به لحاظ فقهی و سنتی، قاعده لاضرر به جبران خسارات حکم می کند و ارتباط با مسئولیت مدنی می یابد یا آنکه قاعده لاضرر با مسئولیت مدنی ارتباطی نمی یابد؟ به دیگر سخن، اگر قاعده لاضرر حکم به جبران خسارات بدهد، همه خسارات را باید قابل جبران دانست. به هر روی این نگرش که لاضرر با مسئولیت مدنی ارتباط می یابد، امروزه در فقه (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱، صص ۱۵۰؛ خمینی، ۱۴۱۸، ج ۱، صص ۲۰۲ و ۲۶۵؛ رشتی گیلانی، بی تا، صص ۴؛ سیستانی، ۱۴۱۴، ج ۱، صص ۲۹۵) و حقوق (کاتوزیان، ۱۳۹۵، صص ۱۴۴-۱۴۲ و صص ۲۹۸-۲۹۷) طرفداران سرشناسی دارد و در نتیجه باید پذیرفت که اصل لزوم جبران کلیه خسارات نیز در حقوق ایران پذیرفته شده و راه خود را باز کرده است و گرچه در گذشته برخی از خسارات مانند خسارات مازاد بر دیه و هزینه‌های درمان مازاد بر دیه در فقه مورد تردید بود، امروزه رویه قضایی و حتی قانون‌گذار درباره هزینه‌های درمان در مواد ۳ و ۳۵ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه به صراحت بر لزوم جبران آن تصریح کرده است. در نتیجه باید بر آن

شد که اصل لزوم جبران کلیه خسارات نیز جایگاه خود را یافته است (بابایی، ۱۴۰۱، صص ۳۹-۳۴؛ همو، ۱۳۸۴، صص ۶۳-۶۱).

۴-۵. اصل بازدارندگی

بازدارندگی یکی از کارکردهای سنتی مسئولیت مدنی است که هنوز هم جایگاه خود را حفظ کرده است. این کارکرد از سویی به دنبال آن است تا خطاکار تنبیه و اصلاح شود و از سوی دیگر زمینه بروز حوادث مشابه را میان بردارد. از این روست که اصلی دیگر مطرح می‌شود که «هرکسی که خطری پدید می‌آورد، باید پیامدهای آن را نیز تحمل کند» (تنک، ۱۳۹۸، صص ۱۸۶-۱۶۵). بنابراین خطاکار دوم باید سزای عمل خود را ببیند. البته باید در اعمال اصل مذکور و اصل جبران کلیه خسارات، به اصل دیگری توجه داشت که از آن به اصل «شخصی بودن مسئولیت» یاد می‌شود که در فقه نیز بدان «قاعده وزر» گفته‌اند (یزدانیان، ۱۳۹۱، ص ۲۵۰) و بر اساس آن هر خطاکاری باید خسارات ناشی از عمل زیان‌بار خود را جبران کند. در نتیجه بر اساس قاعده شخصی بودن مسئولیت، خطاکار دوم باید زیان ناشی از خطای خود را به صورت کامل یعنی با پرداخت دیه کامل جبران کند و عدم الزام خطاکار دوم به پرداخت دیه، با قاعده شخصی بودن مسئولیت منافات دارد.

۴-۶. نقد و بررسی مبانی

در نقد و بررسی دلایل و مبانی بازگفته شده باید چنین گفت:

یکم) همان‌طور که گفته شد، در فقه دیدگاهی به محقق کرکی نسبت داده شده که در آثار خود ایشان موجود نیست و بر پایه آن، جانی دوم ضامن دیه کامل است، ولی ارش پرداختی توسط مرتکب جنایت اول از میزان دیه‌ای که جانی دوم باید بپردازد، باید کسر گردد. در نتیجه دیدگاه منتسب به محقق کرکی مبتنی بر قاعده وضعیت پیشین است، چراکه تلاش دارد تا زیان نامتعارف وارد به زیان‌دیده را با دادن دیه کامل جبران کند، ولی چون میزان ارش پرداختی توسط جانی اول را از دیه کسر می‌کند، نمی‌توان ادعا کرد که ماده ۶۷۴ ق.م.ا بر پایه قاعده وضعیت پیشین استوار است. دوم) یکی از موارد اعمال قاعده مجمله پوست تخم مرغی صورتی است که زیان‌دیده به دلیل ورود صدمه تحت درمان است، ولی در اثر اصابت جنایت دیگر در حین درمان، ادامه درمان و مراقبت ناممکن می‌گردد و با جنایت جانی دوم، شرایط زیان‌دیده بدتر می‌شود یا عضو آسیب‌دیده از بین می‌رود (نک: Statsky, 2010, p 269 به نقل از: صفری و صفریان، ۱۳۹۶، ص ۸۲). از این رو جانی دوم مسئول جبران تمام خسارت وارده خواهد بود. بدین ترتیب بر پایه ماده ۶۷۴ ق.م.ا اگر منافع در اثر جنایت اول به صورت قطعی زایل نشده باشد و در اثر جنایت جانی دوم فرصت

بهبود از زیان دیده سلب گردد، قطعاً ماده ۶۷۴ ق.م.ا بر پایه قاعده جمجمه پوست تخم مرغی استوار است، ولی این احتمال وجود دارد که در زمان وقوع جنایت جانی دوم در واقع منفعت به کلی زایل شده بوده است و امکان بهبودی وجود ندارد. در نتیجه جنایت دوم شرایط زیان دیده را بدتر نکرده و نمی توان با تمسک به اصل عدم زوال منفعت این احتمال را نادیده گرفت (نک: امامی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۸). بنابراین بیان نمی توان ادعا کرد که ماده ۶۷۴ ق.م.ا بر پایه قاعده جمجمه پوست تخم مرغی استوار است.

سوم) ماده ۶۷۴ ق.م.ا تمثیلی را بیان می کند به این ترتیب که ابتدا بزه دیده در اثر جنایت جانی اول بینایی یک چشم خود را از دست می دهد و سپس به دلیل جنایت دوم، حدقه چشم خود را از دست می دهد. مطابق نظریه مشهور فقها و ملاک ماده ۶۷۲ ق.م.ا در این صورت جانی اول باید نصف دیه کامل را برای زوال بینایی پردازد و جانی دوم باید یک سوم از نصف دیه کامل را به دلیل اتلاف عضو به ظاهر فلج پردازد که در مجموع میزان دریافتی بزه دیده چهارششم از دیه کامل خواهد بود؛ اما مطابق ماده ۶۷۴ ق.م.ا جانی اول باید ارزش پردازد و جانی دوم نصف دیه کامل را. حال اگر تاریخ دو جنایت با فاصله یک روز باشد، آیا میزان ارزش زوال موقت منفعت بینایی یک چشم معادل یک ششم دیه کامل خواهد بود؟ آیا با اعمال ماده ۶۷۴ ق.م.ا هدف مسئولیت مدنی و اصل لزوم جبران خسارات محقق خواهد شد؟ همچنین آیا پذیرش ماده ۶۷۴ ق.م.ا سبب نمی شود که مرتکب جنایت اول برای رهایی از پرداخت خسارت معین و مقطوع، دست به اقدام جنایت دوم بزند؟ و آیا با اعمال ماده مذکور، اصل بازدارندگی محقق خواهد شد؟

نتیجه

قانون گذار در سال ۱۳۹۲ با وضع ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی وضعیتی مبهم و چالش برانگیز به وجود آورد؛ چه از سویی ذیل ماده، تکرار بی فایده ماده ۶۷۲ ق.م.ا اسلامی است و از سوی دیگر، صدر آن در تعارض با ماده ۶۷۲ ق.م.ا قرار می گیرد و استفاده از تمثیل «بینایی» نیز در روشن تر شدن مقصود و غرض قانون گذار تأثیری نداشته است.

ماده ۶۷۴ ق.م.ا برخلاف ماده ۶۷۲ ق.م.ا در فقه پیشینه ای ندارد و حتی اصول و مبانی حقوق مسئولیت مدنی نیز حکمی خلاف ماده ۶۷۴ ق.م.ا مقرر می دارد. در نتیجه باید گفت که قانون گذار معلوم نیست بر اساس چه منطقی حکمی خلاف دیدگاه مشهور در فقه و مغایر با مواد قانون از جمله ماده ۶۷۲ ق.م.ا وضع کرده و لازم است تا ماده ۶۷۴ ق.م.ا در راستای رفع تعارض اصلاح شود.

منابع

الف) منابع فارسی

۱. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشادالأذهان (۱۴ جلد)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. امامی، مسعود (۱۳۹۹)، شرح قانون مجازات اسلامی دیه منافع مواد ۷۰۸-۶۷۱، قم، مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی.
۳. امیران بخشایش، عیسی و باریکلو، علیرضا (۱۳۹۳)، «مفهوم اصل جبران خسارت در حقوق بیمه»، مجلس و راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۸۰، صص ۱۹۳-۱۶۹.
۴. بابایی، ایرج (۱۳۸۴)، «نقد اصل قابلیت جبران کلیه خسارات در حقوق مسئولیت مدنی ایران»، پژوهش حقوق عمومی، ۷(۱۶)، صص ۸۳-۴۵.
۵. _____ (۱۴۰۱)، حقوق مسئولیت مدنی مبتنی بر نقد و بررسی آراء و رویه قضایی، جلد اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
۶. بجنوردی، سید محمد بن حسن موسوی (۱۴۰۱ق)، قواعد فقهیه (۲ جلدی)، چاپ سوم، تهران، مؤسسه عروج.
۷. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل (ط الحدیثه) (۱۶ جلد)، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۸. حلی، علامه حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق)، تحریر الأحكام الشرعیه علی مذهب الإمامیه (ط الحدیثه) (۶ جلد)، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۹. _____ (۱۴۱۳ق)، قواعد الأحكام فی معرفه الحلال والحرام (۳ جلد)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۰. حلی، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷ق)، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد (۴ جلد)، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۱۱. حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام (۴ جلد)، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۱۲. حلی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (۳ جلد)، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. روحانی قمی، سید صادق حسینی (۱۴۱۲ق)، فقه الصادق علیه السلام (۲۶ جلد)، قم، دارالکتاب مدرسه امام صادق علیه السلام.
۱۴. خادم سربخش، مهدی (۱۳۸۹)، «تأثیر حالت و وضعیت زیان دیده بر مسئولیت عامل زیان»، مجله حقوقی دادگستری، ۷۴(۷۰)، ۱۱۱-۱۳۱. doi: 10.22106/zjz.2010.11177
۱۵. خمینی، سید روح الله موسوی (بی تا)، تحریر الوسیله (۲ جلد)، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۱۶. خمینی، سید مصطفی موسوی (۱۴۱۸ق)، کتاب البیع (۲ جلد)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
۱۷. رشتی گیلانی، نجفی، میرزا حبیب الله (بی تا)، کتاب الغصب.
۱۸. رهپیک، حسن (۱۳۸۸)، حقوق مسئولیت مدنی و جبرانها، چاپ دوم، تهران، انتشارات خرسندی.
۱۹. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق)، مهذب الأحكام (۳۰ جلد)، چاپ چهارم، قم، مؤسسه المنار دفتر حضرت آیت الله.
۲۰. سیستانی، سید علی حسینی (۱۴۱۴ق)، قاعده لاضرر و لاضرار، قم، دفتر آیت الله سیستانی.

۲۱. صفری، محسن و صفریان، مهدی (۱۳۹۶)، «قاعده مجمله پوست تخم مرغی در حقوق انگلستان و ایران»، مجله علمی حقوق خصوصی، ۱۴(۱). ۷۷-۹۳.
۲۲. طرابلسی، ابن براج، قاضی عبدالعزیز (۱۴۰۶ق)، المهذب، ۲(جلد)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الامامیه (۸ جلد)، چاپ سوم، تهران، المکتبه المرآتیه لإحياء الآثار الجعفریه.
۲۴. عالی پناه، علیرضا و خدایی، محبوب (۱۳۹۹)، «قاعده مجمله نازک؛ تأثیر وضعیت خاص زیان دیده بر جبران زیان های بدنی در حقوق کامن لا»، مطالعات حقوق خصوصی، ۵۰(۲).
۲۵. عاملی، سید جواد بن محمد حسینی (بی تا)، مفتاح الکرامه فی شرح قواعدالاعلامه (ط القدیمه) (۱۱ جلد)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۶. عاملی، شهیدثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، مسالک الأفهام الی تنقیح شرائع الاسلام (۱۵ جلد)، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۲۷. عمیدی، سید عمیدالدین بن محمد اعرج حسینی (۱۴۱۶ق)، کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد (۳ جلد)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۸. قیاسی، جلال الدین (۱۴۰۱)، «قاعده مجمله نازک در حقوق کامن لا و حقوق کیفری ایران»، مجله حقوقی دادگستری، ۸۷(۱۲۱)، ۳۰۷-۳۲۷.
۲۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵)، الزام های خارج از قرارداد: مسئولیت مدنی، جلد ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳۰. گیلانی فومنی، محمدتقی بهجت (۱۴۲۶ق)، جامع المسائل (۵ جلد)، چاپ دوم، قم، دفتر معظم له.
۳۱. لنکرانی، محمدفاضل موحدی (۱۴۱۸ق)، تفصیل الشریعه فی شرح تحریرالوسیله الیدیات، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۳۲. نجفی، صاحب الجواهر، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام (۴۳ جلد)، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۳. یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۱)، «مطالعه تطبیقی طرح قاعده مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر در حقوق ایران و فرانسه»، مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)، ۴۲(۴)، صص ۲۶۸-۲۴۹.

الف) منابع لاتین

34. www.law.cornell.edu/wex/eggshell_skull_rule, access on: 2024/09/05.